

دکتر نجاد علی الماسی

## شناسائی و اجرای احکام مدنی خارجی در حقوق فرانسه و حقوق انگلیس و امریکا

مقدمه :

بسط و توسعه روزافزون روابط بین‌المللی ضرورت شناسائی و اجرای احکام صادره از محاکم خارجی را بیش از پیش آشکار گردانیده و آن را به صورت یکی از مسائل مهم حقوق بین‌الملل خصوصی درآورده است. از آنجا که طبق اصل حاکمیت کشورها، قوه اجرائی يك حکم محدود به قلمرو دولت متبوع دادگاه صادرکننده حکم است، باید دید اگر محکوم‌علیه اموال کافی برای اجرای حکم در کشور مقر دادگاه نداشته باشد، ولی دارای اموالی در کشورهای دیگر باشد، آیا امکان اجرای آن حکم، در کشور محل وقوع اموال، وجود دارد یا نه؟ لزوم توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل خصوصی ایجاب می‌کند که محکوم‌له يك حکم خارجی بتواند از مقامات صلاحیت‌دار کشور محل وقوع اموال، تقاضای اجرای حکم را بنماید؛ چه اگر چنین امکانی در اختیار او نباشد، چه بسا زحمت طی نمودن تشریفات طولانی دادرسی در کشور مقر دادگاه بی‌نتیجه خواهد ماند.

لازم به توضیح نیست که مسأله شناسائی و اجرای احکام خارجی در حقوق بین‌الملل خصوصی از دو دیدگاه متفاوت قابل طرح است: یکی از لحاظ شناسائی و اجرای احکام صادره از دادگاههای ایران در کشورهای خارجی و دیگر از لحاظ شناسائی و اجرای احکام صادره از دادگاههای

خارجی در ایران. مسأله نخست که متضمن آگاهی از نحوه شناسائی و اجرای احکام ایرانی در خارجه است بیشتر در چهارچوب حقوق بین‌الملل خصوصی کشورهای خارجی مطرح می‌شود. ولی مسأله دوم که اصولاً جدای از موازین حقوق بین‌الملل خصوصی کشورهای دیگر می‌باشد، در چهارچوب حقوق بین‌الملل خصوصی ایران مطرح می‌گردد.

مطلب دیگری که در این مقدمه باید مورد توجه واقع شود این است که حکم صادره از دادگاه خارجی نمی‌تواند در ایران مانند حکم صادره از دادگاه ایرانی واجد قوه اجرائی باشد زیرا احکام صادره از دادگاههای يك کشور به نام حاکمیت آن کشور صادر می‌شود و مطابق اصول و موازین حقوق بین‌الملل عمومی حق حاکمیت هر دولت محدود به قلمرو سیاسی آن دولت است و هیچ دولتی نمی‌تواند در خارج از قلمرو خود اعمال حاکمیت نماید ولذا حکم خارجی در ایران که خارج از قلمرو سیاسی کشور مقرر دادگاه است فاقد قوه اجرائی است.

برای اینکه احکام صادره از دادگاههای خارجی را بتوان در ایران اجرا کرد باید مقامات قضائی ایران به آن احکام قوه اجرائی اعطا کنند. ماده ۹۷۲ قانون مدنی ایران در خصوص ضرورت اعطای قوه اجرائی به احکام خارجی مقرر می‌دارد: «احکام صادر از محاکم خارجه، همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود، مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد». پیش از آنکه وارد بحث شده و مبانی و شرایط شناسائی و اجرای احکام خارجی را در حقوق فرانسه و حقوق انگلیس و آمریکا مورد بررسی قرار دهیم لازم است ابتدا وجه تمایز «شناسائی» و «اجرای» احکام را مورد توجه قرار دهیم.

منظور از «شناسائی» (۱) احکام خارجی آن است که از دادگاه يك کشور خواسته شود تا حکمی را که مرجع خارجی صادر کرده است معتبر

1- Reconnaissance (F.) = Recognition (E.)

تلقى نماید، و حال آنکه مراد از «اجرای» (۲) احکام خارجی آن است که از دادگاه يك کشور خواسته شود تا حکمی را که مرجع خارجی صادر کرده است مانند احکام صادره از محاکم داخلی تلقی کند و دستور اجرای آن را صادر نماید. بنابراین مقصود از شناسائی حکم خارجی اجرای مستقیم هر حکمی که مرجع خارجی صادر کرده است نمی باشد بلکه پذیرفتن و معتبر دانستن آن حکم است. این نکته در مورد اسناد تنظیم شده در خارجه نیز صادق است چرا که اعتبار داشتن سند يك مطلب است و لازم الاجرا بودن آن مطلبی دیگر. پس همانطور که سند تنظیم شده در خارجه ممکن است در ایران معتبر تلقی گردد، ولی لازم الاجرا نباشد، همانطور هم ممکن است حکم صادره از محکمه خارجی در ایران معتبر شناخته شود بدون آنکه لازم الاجرا باشد.

بنابراین، تفاوت شناسائی و اجرای احکام خارجی در این است که اگرچه دادگاه يك کشور هر حکمی را که اجرا می کند باید مورد شناسائی قرار دهد ولی لازم نیست هر حکمی را که شناسائی می کند اجرا نماید. مثلاً در مورد يك «حکم اعلامی» (۳)، مانند احکام مربوط به اعلام وضعیت و اهلیت اشخاص، که توسط مرجع خارجی صادر گردیده، شناسائی حکم کفایت می کند و مسأله اجرای آن اساساً قابل طرح نیست. در امور مالی نیز گاهی شناسائی حکم خارجی کافی است و نیاز به اجرای آن نمی باشد. مثلاً هرگاه شخصی علیه دیگری به عنوان مدیون اقامه دعوی نماید و از دادگاه الزام او را به پرداخت دین مطالبه کند چنانچه خواننده در مقام دفاع عنوان نماید که این موضوع قبلاً در يك دادگاه خارجی مطرح گردیده و دادگاه به موجب حکم قطعی خواننده را مدیون ندانسته و به نفع او رأی داده است، در چنین موردی مسأله اجرای حکم خارجی مطرح نمی شود و شناسائی آن توسط دادگاه ایران کفایت خواهد کرد.

2- Exécution (F.) = Enforcement (E.)

3- Jugement déclaratoire (F.) = Declaratory judgment (E.)

حال که تفاوت شناسائی و اجرای احکام خارجی روشن گردید باید اضافه کنیم که از لحاظ حقوق تطبیقی کنترل احکام صادره از محاکم خارجی در همه کشورهای پذیرفته شده و از این حیث سیستمهای حقوقی وضع مشابهی دارند. فرق بین سیستمهای حقوقی بیشتر مربوط به صورتها و حدود کنترل احکام خارجی است.

بطور کلی در موضوع شناسائی و اجرای احکام خارجی دو سیستم متفاوت وجود دارد: اول سیستم فرانسوی که مبتنی بر اصل عدم قابلیت اجرای احکام خارجی است و نظریه شناسائی محدود را پذیرفته است و دوم سیستم انگلیسی - امریکائی که مبتنی بر اصل قابلیت اجرای احکام خارجی است و نظریه شناسائی وسیع را پذیرفته است.

### مبحث اول - سیستم فرانسوی: اصل عدم قابلیت اجرای حکم خارجی

#### الف - سابقه تاریخی و مبنای نظری سیستم فرانسوی:

اصل عدم قابلیت اجرای حکم خارجی یا شناسائی محدود از دیرباز در حقوق فرانسه و سیستمهای مشابه آن مورد قبول بوده و تا سال ۱۹۶۴ در دادگاههای فرانسه به نحو وسیع اعمال می گردید. در حقوق قدیم فرانسه حتی در روابط بین ایالتهای فرانسه هم اجرای احکام به سادگی صورت نمی گرفت، به نحوی که اجرای احکام صادره از دادگاه يك ایالت در ایالت دیگر بدون صدور «اجازه کتبی» (۴) توسط دادگاه ایالت محل اجرا امکان پذیر نبود. اجرای احکام صادره از محاکم خارجی عملاً منتفی بود و دست کم تا قرن هفدهم نشانه‌ای از صدور دستور اجرای احکام خارجی در فرانسه دیده نمی شود (۵).

4- Pareatis

5- H. Batiffol, Droit International privé, 4e éd., Paris, 1967, No. 711, p. 804.

پس از آنکه تحت تأثیر اوضاع و احوال و ملاحظات بین‌المللی شناسائی احکام خارجی به‌طور محدود پذیرفته شد، رویه قضائی فرانسه، با تکیه بر حق حاکمیت قضائی، در جهت شناختن حق رسیدگی ماهوی برای محاکم فرانسه استقرار یافت. نتیجه این نظریه آن بود که دادگاههای فرانسه پیش از آنکه «دستور اجرای» (۶) حکم خارجی را صادر نمایند، وارد در ماهیت دعوی شده و حق «تجدید نظر ماهوی» (۷) را برای خود محفوظ می‌دانستند؛ زیرا محاکم ضمن قبول ارتباط فشرده اجرای احکام خارجی با حاکمیت ملی و نظم عمومی فرانسه بر این عقیده بودند که اجرای احکام صادره از دادگاههای خارجی مخالف با حاکمیت قضائی فرانسه می‌باشد.

در اینجا لازم است یادآور شود که دادگاههای فرانسه برای توجیه قاعده تجدیدنظر ماهوی به ماده ۲۱۲۳ قانون مدنی و ماده ۵۴۶ قانون آئین-دادرسی مدنی فرانسه استناد می‌کردند. ماده ۲۱۲۳ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «... احکام صادره از محاکم خارجه در صورتی در فرانسه قابل اجراست که توسط يك دادگاه فرانسوی قابل اجرا اعلام شود...» و ماده ۵۴۶ قانون آئین دادرسی فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «احکام صادره از محاکم خارجه... فقط به صورتی که در ماده ۲۱۲۳ قانون مدنی مقرر گردیده است قابل اجرا می‌باشند».

دیوان تمیز فرانسه در ۱۹۶۴ تحت تأثیر مقتضیات زندگی بین‌المللی و با توسل به اصل ماده ۲۱۲۳ قانون مدنی رویه‌ای را که تا آن زمان در دادگاههای فرانسه معمول بود نقض نمود و با ارائه تفسیر جدیدی از ماده مزبور در دعوی مونزر (Munzer) صریحاً اظهار نظر نمود که اجرای احکام صادره از محاکم خارجی در فرانسه مستلزم آن نیست که دادگاه فرانسوی قبل از صدور دستور اجرای حکم وارد در ماهیت دعوی شده و محاکمه

6- Exequatur

7- Révision au fond

راتجدید نماید (۸).

باینکه رویه قضائی فرانسه پس از دعوی موزر در جهت عدم لزوم تجدیدنظر ماهوی استقرار یافته و در حال حاضر دادگاههای فرانسه قاعده تجدیدنظر ماهوی را کنار گذاشته‌اند، ولی هنوز هم اصل را عدم اجرای حکم خارجی تلقی می‌کنند به نحوی که امکان اجرای احکام صادره از محاکم خارجی در فرانسه نسبت به سیستمهای انگلیسی و امریکائی محدود است و کسی که در فرانسه تقاضای اجرای حکم دادگاه خارجی را می‌نماید، به سادگی موفق به تحصیل دستور اجرا نمی‌شود.

### ب - شرایط شناسائی و اجرای احکام خارجی در فرانسه :

طبق رویه قضائی و دکترین حقوقی فرانسه، دادگاه فرانسوی باید قبل از صدور دستور اجرای حکم خارجی، شرایط ذیل را مورد توجه قرار دهد :

۱- صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم

۲- رعایت دادرسی منظم

۳- صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوی

۴- عدم مخالفت حکم با نظم عمومی فرانسه.

برای اینکه شناسائی و اجرای احکام خارجی در سیستم فرانسوی بهتر فهمیده شود به نظر می‌رسد که شرایط فوق‌الاشعار نیاز به توضیح دارد.

#### ۱- صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم:

شرط صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم مهمترین شرطی است که برای شناسائی و اجرای احکام صادره از دادگاههای خارجی لازم می‌باشد.

در واقع دادگاه فرانسوی با این سؤال مواجه است که آیا دادگاه خارجی برای رسیدگی به دعوی، واجد صلاحیت به معنی بین‌المللی بوده است یا نه؟ این نوع صلاحیت را که در حقوق فرانسه «صلاحیت بین‌المللی» یا «صلاحیت عام» (۹) می‌نامند طبق قواعد حقوق فرانسه باید احراز نمود (۱۰). منظور آن است که دادگاههای فرانسه از اجرای احکام خارجی صادره در دعاوی که در صلاحیت انحصاری دادگاههای فرانسه باشد خودداری می‌کنند.

رویه قضائی فرانسه صلاحیت مبتنی بر مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی فرانسه را از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه فرانسه دانسته و براین عقیده است که برای رسیدگی به دعاوی که یک طرف آن فرانسوی باشد فقط دادگاه فرانسوی واجد صلاحیت است و چنانچه دادگاه خارجی علیه یک فرانسوی حکمی صادر کند آن حکم در فرانسه قابل اجرا نخواهد بود، مگر اینکه طرف فرانسوی صلاحیت دادگاه خارجی را قبول کرده باشد.

ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «تبعه بیگانه را حتی اگر در فرانسه اقامت نداشته باشد می‌توان برای اجرای تعهدات قراردادی که در فرانسه با یک فرانسوی منعقد نموده است به دادگاه فرانسه فراخواند، همچنین تبعه بیگانه را می‌توان برای اجرای تعهدات قراردادی منعقد در خارجه در قبال تبعه فرانسه به دادگاه فرانسه احضار کرد». ماده ۱۵ قانون مدنی فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «تبعه فرانسه را می‌توان برای اجرای تعهدات قراردادی که در خارجه حتی با یک بیگانه منعقد نموده است به دادگاه فرانسه احضار کرد».

صرفنظر از موارد مندرج در این دو ماده که ناظر است به صلاحیت

#### 9- Compétence internationale ou général

۱۰- برخلاف «صلاحیت داخلی» یا «صلاحیت خاص» *Compétence interne ou spéciale* که طبق قانون متبوع مرجع صادر کننده حکم احراز می‌گردد.

انحصاری دادگاههای فرانسه در دعاوی بین‌المللی که يك طرف آن فرانسوی باشد قانون فرانسه نسبت به سایر موارد صریحاً حکمی ندارد؛ ولذا محاکم فرانسه، با استفاده از قواعد ناظر به تعیین صلاحیت محلی دادگاهها، حکم سایر موارد را که در رویه قضائی و دکتترین فرانسه از قبیل صلاحیت اختیاری دادگاه فرانسه تلقی می‌شود معین نموده‌اند. مثلاً اگر يك دادگاه خارجی که از لحاظ قواعد صلاحیت بین‌المللی خود واجد صلاحیت است به دعوی دو نفر غیر فرانسوی رسیدگی نماید و حکمی صادر کند، چنانچه اموال محکوم‌علیه در کشور محل صدور حکم کافی برای اجرای حکم نباشد، محکوم‌له می‌تواند حکم محکمه خارجی را نسبت به اموال محکوم‌علیه که در فرانسه واقع می‌باشد اجرا نماید (۱۱).

ضمناً باید توجه داشت که چون فرانسه با کشورهای دیگر، از جمله انگلیس، قراردادهای دو جانبه اجرای متقابل احکام منعقد کرده است و در این قراردادها نسبت به احکام صادره از محاکم کشورهای طرف قرارداد سیستمی شبیه سیستم شناسائی وسیع در حقوق انگلیس و امریکا پذیرفته شده است، لذا دولت فرانسه در رابطه خود با کشورهای که با فرانسه قرارداد دو جانبه دارند عملاً از مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی فرانسه اعراض نموده است (مثلاً در قرارداد ۳ ژوئن ۱۹۳۰ با ایتالیا و قرارداد ۱۸ ژانویه ۱۹۳۴ با انگلیس رعایت این مواد منتفی می‌گردد).

## ۲- رعایت دادرسی منظم :

منظور از احراز این شرط آن است که دادگاه فرانسوی قبل از صدور دستور اجرای حکم باید این مسأله را مورد بررسی قرار دهد که آیا دادگاه

۱۱- در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران نیز شرط صلاحیت مرجع صادر کننده حکم پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب اول آبان‌ماه ۱۳۵۶ ضمن شرایط قابل اجرا بودن احکام مدنی که از دادگاههای خارجی صادر می‌شود این شرط مندرج است: «۶۰۰- رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد».

صادرکننده حکم قواعد آئین دادرسی را طبق «قانون مقر دادگاه» (۱۲) رعایت نموده است یا نه؟ دیوان تمیز فرانسه در رأی مورخ نهم ژانویه ۱۹۵۱ صریحاً اعلام نموده است که رعایت این شرط الزامی می باشد (۱۳). لزوم رعایت قواعد آئین دادرسی براساس قانون متبوع محکمه صادرکننده حکم از آن جهت است که طبق یکی از قواعد ثابت حقوق بین الملل خصوصی آئین دادرسی تابع قانون مقر دادگاه می باشد یعنی قاضی ملی در حل و فصل دعاوی بین المللی باید قواعد شکلی کشور خود را اعمال نماید.

دادگاههای فرانسه این مسأله را که حکم صادره از محکمه خارجی باید پس از يك دادرسی منظم صادر شده باشد يك مسأله مربوط به نظم عمومی تلقی می کنند. مثلاً دادگاه استان پاریس (۱۴) در رأی مورخ بیستم دسامبر ۱۹۰۶ خود ضرورت ابلاغ دادخواست به شخص یا اقامتگاه قانونی خواننده و دیوان تمیز (۱۵) در رأی مورخ پانزدهم نوامبر ۱۹۰۸ ضرورت رعایت حق دفاع خواننده را مورد تأکید قرار داده اند (۱۶).

نکته دیگری که در این مورد باید بدان توجه شود این است که مطابق سیستم فرانسوی دادگاه اجراکننده حکم (دادگاه فرانسوی) باید این نکته را بررسی نماید که آیا حکم خارجی در کشوری که صادر شده قوه اجرائی پیدا کرده است یا نه؟ و آیا حکم در کشور محل صدور از اعتبار افتاده

12- Lex fori

13- Civ. 9 janv. 1951, D. 1952. 33.

14- Paris, 20 déc. 1906, clunet 1907.

15- Req. 11 nov. 1908, D. 1914. I. 118.

۱۶- شرط رعایت دادرسی منظم Régularité de la procédure suivie

در حقوق فرانسه مشابه شرط Due process of Law است که توسط حقوقدانان امریکائی عنوان شده است. دکتر مرتضی نصیری، اجرای آراء داوری خارجی، ۱۴۲-۲۳-۱۲-۴۶ کتابخانه ملی، ص ۱۴.

است یانه؟ (۱۷).

### ۳- صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوی :

برای احراز این شرط دادگاه فرانسوی بررسی خواهد نمود که آیا دادگاه خارجی قانون صلاحیت‌دار را طبق سیستم فرانسوی حل تعارض انتخاب نموده است یانه؟ و در صورتی که قانون دیگری را اجرا نموده آیا آن قانون از نظر محتوی با قانونی که طبق قاعده حل تعارض فرانسه واجد صلاحیت بوده یکسان است یا نه؟ اگرچه بعضی از حقوقدانان این شرط را لازم ندانسته و براین عقیده‌اند که پس از احراز صلاحیت محکمه خارجی تعیین قانون صلاحیت‌دار باید در اختیار همان محکمه (دادگاه صادر کننده حکم) باشد ولی غالب حقوقدانان فرانسه و همچنین رویه قضائی این کشور همواره لزوم انتخاب قانون صلاحیت‌دار به موجب قاعده حل تعارض فرانسه را مورد تأکید قرار داده‌اند (۱۸). در رأی مورخ هفتم ژانویه ۱۹۶۴ دیوان تمیز فرانسه که در دعوی مونزر (Munzer) صادر گردیده اعمال قانون صلاحیت‌دار، به حسب قواعد حل تعارض فرانسه، مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است (۱۹).

۱۷- این شرط ظاهراً همان است که در ماه ۱۶۹ قانون اجرای احکام مصوب ۱۳۵۶ پیش‌بینی شده است. طبق بند چهارم این ماده: «... ۴- حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد».

18- H. Batiffol, op. cit., p. 826.

۱۹- برخلاف سیستم فرانسوی که صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوی را طبق موازین حقوق بین‌الملل خصوصی فرانسه یکی از شروط اجرای حکم خارجی تلقی می‌کند، در سیستم حقوقی انگلیس و امریکا دادگاه اجرا کننده حکم خارجی وارد این بحث نمی‌شود که آیا دادگاه خارجی قانون صلاحیت‌دار را طبق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی کشور اجرا کننده حکم انتخاب کرده است یانه؟ در حقوق ایران نیز به نظر می‌رسد که با توجه به بند هفتم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی که مقرر می‌دارد: «... ۷- حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد» و با عنایت به اینکه ماده ۹۷۲ قانون مدنی بقیه پاورقی در صفحه بعد

ضمناً این نکته نیز قابل توجه است که در فرانسه با استفاده از مفهوم یکسان بودن محتوی قانون خارجی و قانون فرانسه، دادگاههای فرانسه احکامی را که به موجب قانون خارجی صادر شده است اجرا می‌نمایند. مثلاً اگر طبق قانون خارجی حکم طلاق در موردی صادر شده باشد که طبق قانون فرانسه هم آن مورد از موارد امکان طلاق می‌باشد، شناسائی و اجرای آن حکم در فرانسه، به علت یکسان بودن راه حل قانون خارجی و قانون فرانسه، امکان‌پذیر خواهد بود (۲۰).

در مورد اینکه آیا قاعده حل تعارض کشور اجراکننده حکم (فرانسه) فقط در صورتی باید در نظر گرفته شود که قاعده مزبور قانون داخلی خود را واجد صلاحیت بداند (مثل موردی که مسئله طلاق یک زن و شوهر فرانسوی در خارجه مطرح بوده باشد) یا اینکه در هر حال یعنی در صورتی نیز که قاعده مزبور قانون خارجی را صلاحیت‌دار بداند (مثل موردی که مسئله طلاق یک زن و شوهر غیر فرانسوی در کشور ثالثی مطرح بوده باشد) رعایت آن الزامی است، بین حقوقدانان فرانسه اختلاف نظر وجود دارد. به اعتقاد نی‌بوایه (Nebout) رعایت قاعده حل تعارض فرانسه فقط در صورتی الزامی است که قانون داخلی فرانسه را صلاحیت‌دار بشناسد. به نظر می‌رسد که رویه قضائی فرانسه بیشتر به راه حل اول متمایل شده است و در مواردی که صلاحیت قانون داخلی فرانسه مطرح

بقیه پاورقی از صفحه قبل

صدور دستور اجرای حکم مطابق قوانین ایران را برای اجرای حکم خارجی لازم می‌داند، باید قائل بود به اینکه دادگاه ایرانی در موقع رسیدگی به تقاضای اجرای حکم خارجی باید صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوی را مطابق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی ایران احراز نماید.

20- Civ. 29 Jul. 1929; Seine 4 nov. 1954; Paris 4 févr. 1958, cité par Batiffol, op. cit., p. 827.

نبوده، رعایت قاعده حل تعارض فرانسه را ضروری ندانسته است (۲۱).

#### ۴- عدم مخالفت حکم با نظم عمومی فرانسه :

قاضی فرانسوی پیش از صدور دستور اجرای حکم صادره از دادگاه خارجی باید به این نکته توجه نماید که آیا اجرای حکم دادگاه خارجی تباین با «نظم عمومی» (۲۲) فرانسه دارد یا نه؟ شرط عدم مخالفت حکم خارجی با نظم عمومی فرانسه از شرایطی است که همواره مورد توجه دادگاههای فرانسه بوده است. در رأی صادره در دعوی مونزر (Munzer) نیز که منجر به حذف قاعده تجدیدنظر ماهوی گردید، دیوان تمیز فرانسه آن را به عنوان یکی از شرایط صدور دستور اجرای حکم خارجی تلقی کرده است. در عهدنامه‌های مربوط به اثر احکام خارجی نیز معمولاً این شرط گنجانده می‌شود (۲۳).

در خصوص این مسأله دو نکته را باید مورد توجه قرار داد: اول اینکه در زمینه شناسائی و اجرای احکام خارجی دادگاهها «اثر خفیف» (۲۴) نظم عمومی مواجهند و نه اثر شدید آن، زیرا در اینجا مسأله حقوق ایجاد شده در خارجه مطرح است و چنانکه می‌دانیم در مرحله اثر گذاری حق،

۲۱- يك زن و شوهر ایتالیائی در آلمان به موجب قانون داخلی این کشور که طبق قاعده حل تعارض آن به عنوان قانون اقامتگاه واجد صلاحیت شناخته شده، طلاق می‌گیرند و بعداً در فرانسه به آثار حکم طلاق صادره از دادگاه آلمان استناد می‌نمایند. دادگاه سن (Seine) فرانسه در رأی مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۰۱، این طلاق را معتبر شناخته است، در حالیکه تحصیل حکم طلاق برخلاف قانون ایتالیا، که به موجب قاعده حل تعارض فرانسه، به عنوان قانون ملی، لازم‌الاجراء می‌باشد، بوده است.

22- Ordre public.

۲۳- بند دوم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مصوب ۱۳۵۶ نیز شرط عدم مخالفت حکم صادره از محکمه خارجی با نظم عمومی ایران را از شرایط اجرای احکام مدنی خارجی تلقی می‌کند: «... ۲- مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد».

24- Effet atténué

شدت نظم عمومی کمتر از مرحله ایجاد حق است.

دوم اینکه چون ارزیابی نظم عمومی به حسب وضع قوانین و تمایلات سیاسی یا اجتماعی تغییر پیدا می کند، پس برای تشخیص مخالفت حکم خارجی با نظم عمومی باید زمان رسیدگی به تقاضای اجرای حکم را ملاک سنجش دانست و نه زمانی که دادگاه خارجی مبادرت به صدور حکم نموده است زیرا مسأله از لحاظ دادگاه اجراکننده حکم این نیست که احراز کند آیا قاضی خارجی دعوی را صحیحاً حل و فصل نموده است یا نه؟ بلکه مسأله این است که آیا حکم مرجع خارجی در حال حاضر می تواند اجرا گردد یا نه؟

نکته دیگر اینکه اگر از دادگاههای فرانسه حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر شده باشد، اجرای حکم مزبور مخالف با نظم عمومی فرانسه تلقی می شود (۲۵).

### مبحث دوم - سیستم انگلیسی - امریکائی :

#### اصل قابلیت اجرای احکام خارجی

#### الف - مبنای نظری سیستم انگلیسی - امریکائی :

برخلاف سیستم حقوقی فرانسه که اصل را عدم اجرای حکم خارجی می داند، سیستم حقوقی انگلیس و امریکا با تکیه بر نظریه شناسائی وسیع احکام صادره از دادگاههای خارجی، اصل را اجرای حکم خارجی تلقی می کند. از دیدگاه محاکم انگلیس و امریکا اعتبار «قضیه مختومه» (۲۶) نه تنها در قلمرو حقوق داخلی بلکه در قلمرو حقوق بین الملل خصوصی هم

۲۵- قانون اجرای احکام این شرط را جدای از شرط عدم مخالفت با نظم عمومی ایران در نظر گرفته است. بند پنجم ماده ۱۶۹ قانون مزبور مقرر می دارد: «... ۵- از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد».

ساری و جاری است. به سخن دیگر، دادگاههای انگلیس و امریکا تفاوتی بین حکم قطعی صادره از دادگاه داخلی و خارجی قائل نمی‌شوند.

برای توجیه اجرای احکام خارجی در حقوق انگلیس و امریکا نظریات مختلفی عنوان گردیده است. در حقوق انگلیس نخستین نظریه‌ای که برای توجیه شناسائی و اجرای احکام خارجی عنوان گردید «نظریه نزاکت» (۲۷) بود. براساس این نظریه هر کشوری باید قوانین و مقررات کشورهای دیگر را محترم شمارد، چه با اینکه هیچ دولتی مکلف نیست که قوانین و احکام دولت دیگر را در قلمرو سیاسی خود اجازه اجرا دهد، ولی از آنجا که بیم آن می‌رود که قوانین و احکام او در کشورهای دیگر بموقع اجرا گذاشته نشود، پس بهتر است هر دولتی اجازه دهد که احکام دولت دیگر در قلمرو او تحت شرایطی به مرحله اجرا برسد. بنابراین لازمه رعایت نزاکت بین‌المللی آن است که دادگاههای یک کشور احکام صادره از دادگاههای خارجی را مورد شناسائی و اجرا قرار دهند.

پس از مدتی نظریه نزاکت کنار گذاشته شد و «نظریه تعهد» (۲۸) جای آن را گرفت. این نظریه که خود مبتنی بر قاعده اعتبار قضیه مختومه در روابط بین‌المللی است به این نحو بیان می‌شود که پس از احراز صلاحیت دادگاه خارجی، حکم صادره بر ذمه خوانده تکلیف یا تعهدی را به پرداخت مبلغ محکوم به بوجود می‌آورد که دادگاه اجرا کننده (دادگاه انگلیس) موظف به احترام و اجرای آن است. به سخن دیگر، پس از اینکه صلاحیت مرجع صادرکننده حکم (دادگاه خارجی) احراز گردید، تجدیدنظر کردن در حکم صادره مابین تکلیفی است که به عهده دادگاه اجرا کننده حکم (دادگاه انگلیس) می‌باشد.

نظریه دیگری که در انگلیس توسط دایسی (Dicey) و در امریکا توسط بیل (Beale) عنوان گردیده «نظریه حقوق مکتسبه» (۲۹) است. موافق این

27- The doctrine of comity

28- The doctrine of obligation

29- The theory of vested rights

نظریه حکم صادره از دادگاه خارجی برای محکوم‌له حقی را بوجود می‌آورد که حق ثابت و مکتسب می‌باشد و این حق باید در کشورهای دیگر محترم شمرده شود و منشاء آثار باشد و لازمه محترم شمردن حق مکتسب این است که حکم خارجی بموقع اجرا گذاشته شود (۳۰).

حال که مبانی نظری شناسائی و اجرای احکام خارجی در سیستم حقوقی انگلیس و آمریکا معلوم گردید باید دید در این سیستم که اصل را اجرای حکم خارجی تلقی می‌کند چه شرایطی برای اجرای احکام خارجی لازم می‌باشد؟

### ب - شرایط شناسائی و اجرای احکام خارجی در حقوق انگلیس و آمریکا:

شرایطی که برای شناسائی و اجرای احکام خارجی در سیستم کامان‌لو باید رعایت گردد از قرار ذیل می‌باشد:

۱- صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم

۲- دادرسی صحیح و منظم

۳- قطعی بودن حکم

۴- معین بودن مبلغ مورد حکم

۵- عدم تحصیل حکم از راه تقلب

۶- عدم مخالفت حکم با نظم عمومی.

از آنجا که سیستم کامان‌لو با سیستم حقوقی ما سنخیت کمتری دارد به نظر می‌رسد که شرایط فوق‌الاشعار نیاز به توضیح دارد.

#### ۱- صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم :

در سیستم کامان‌لو، مانند سیستم فرانسوی، صلاحیت دادگاه خارجی

را طبق قواعد حقوقی کشور اجراکننده حکم احراز می کنند (۳۱). این شرط مهم ترین شرطی است که برای شناسائی و اجرای احکام صادره از محاکم خارجی لازم می باشد زیرا نظریه تعهد نیز که به عنوان مبنای اجرای احکام خارجی در سیستم کامان لو پذیرفته شده، به طور اطلاق برای توجیه اجرای حکم دادگاه خارجی کفایت نمی کند و برای اینکه دادگاههای انگلیس مکلف به اطاعت از حکم محکمه خارجی باشند، باید دادگاه صادر کننده حکم از لحاظ بین المللی (البته طبق موازین کامان لو) واجد صلاحیت بوده باشد. مثلا دادگاههای انگلیس و امریکا صلاحیت دادگاه فرانسه را که به موجب ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه مبتنی بر تابعیت می باشد بی اعتبار می دانند و چنانچه عهدنامه ای وجود نداشته باشد دادگاه های سیستم کامان لو تعهدی را که حکم صادره از دادگاه خارجی بر عهده محکوم علیه بوجود آورده است مورد شناسائی و اجرا قرار نمی دهند.

در خصوص قواعد صلاحیت قضائی باید یادآور شد که مهم ترین قاعده صلاحیت در این سیستم، صلاحیت مبتنی بر محل اقامت خواننده است. در مورد اشخاص حقوقی نیز دادگاه محل فعالیت تجاری واجد صلاحیت می باشد. دعاوی مربوط به اموال غیر منقول در صلاحیت دادگاه محل وقوع غیر منقول است. در خصوص دعاوی مربوط به قراردادها و انواع جرم (مدنی) و شبه جرم نیز دادگاه محل انعقاد قرارداد و محل وقوع جرم (مدنی) و شبه جرم صلاحیت دار شناخته می شود. در این سیستم نیز در مواردی که اصحاب دعوی در مورد محکمه صلاحیت دار توافق کرده باشند، آن محکمه از لحاظ بین المللی واجد صلاحیت می باشد.

بدیهی است اگر دادگاه خارجی صادر کننده حکم از لحاظ بین -

۳۱- همانطور که قبلا اشاره شد در حقوق ایران هم حکم صادره از دادگاه خارجی در صورتی قابل اجراست که دادگاه خارجی صادر کننده حکم واجد صلاحیت در مفهوم بین المللی (البته طبق قواعد حقوق ایران) بوده باشد (بند ششم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی). بنابراین از لحاظ شرط صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم، تفاوتی بین حقوق ایران و حقوق فرانسه و حقوق انگلیس و امریکا موجود نیست.

المللی طبق موازین کامان لو واجد صلاحیت نبوده باشد، حکم صادره قابل شناسائی یا اجرا نخواهد بود. مثلاً چون در حقوق انگلیس و امریکا تابعیت یکی از اصحاب دعوی مبنای مطمئنی برای احراز صلاحیت دادگاه خارجی تلقی نمی‌شود، دادگاههای انگلیس و امریکا در چنین مواردی از صدور دستور اجرای حکم خودداری می‌کنند. همچنین حکم دادگاه خارجی که بدون توجه به اصل «مصونیت» (۳۲) صادر شده باشد، در انگلیس قابل شناسائی یا اجرا نخواهد بود. توضیح آنکه بعضی اشخاص (مانند دیپلماتها) طبق ضوابط حقوق بین‌الملل عمومی دارای مصونیت سیاسی می‌باشند. حال اگر علیه چنین اشخاصی که صلاحیت دادگاه را قبول نکرده باشند، حکمی صادر شود آن حکم به علت عدم احراز صلاحیت قضائی قابل اجرا نخواهد بود (۳۳).

## ۲- دادرسی صحیح و منظم (۳۴) :

این شرط از شرایطی است که در حقوق امریکا عنوان گردیده و مبتنی بر اصل ۱۴ الحاقی قانون اساسی امریکا است که بموجب آن «... هیچ ایالتی نباید کسی را از حق حیات، آزادی و یا مالکیت بدون جریان صحیح قانونی و دادرسی منظم محروم ساخته و یا کسی را در قلمرو خود از تحت حمایت قانون بنحو برابر بازدارد». به نظر حقوقدانان امریکائی حکم صادره از مرجع خارجی در صورتی می‌تواند در امریکا مورد

### 32- Immunity

۳۳- بموجب قانون امتیازات دیپلماتیک مصوب ۱۹۶۴ و قانون روابط کنسولی مصوب ۱۹۶۸ دادگاههای انگلیس برای رسیدگی به دعاوی که علیه واجدین مصونیت سیاسی اقامه می‌شود صلاحیت‌دار تلقی نمی‌شوند.

Morris and Dicey, op. cit, I. 171.

البته این اصطلاح معنائی گسترده‌تر از دادرسی منظم دارد و می‌توان آنرا به جریان صحیح قانونی نیز ترجمه نمود.

### 34- Due process of Law

شناسائی و اجرا واقع شود که پس از يك دادرسى منظم صادر شده باشد. مواردی از قبیل بیطرفانه بودن دادرسى، وجود يك سیستم اقامه دلیل طبق رویه متداول در کشورهای متمدن و همچنین لزوم ابلاغ دادخواست به شخص یا اقامتگاه قانونی خوانده جزء ضوابط رسیدگی صحیح و منظم تلقی می‌شود (۳۵).

### ۳- قطعی بودن حکم (۳۶) :

دادگاههای انگلیس تقاضای اجرای حکم خارجی را در صورتی می‌پذیرند که آن حکم از نظر دادگاهی که آن را صادر کرده است قطعی باشد و يك حکم موقعی قطعی تلقی می‌شود که موضوع مورد دعوی کاملاً فیصله یافته باشد. بنابراین اگر حکمی بطور موقت صادر شده باشد و در آن پیش‌بینی کرده باشند که پس از رسیدگیهای دیگر مبادرت به صدور حکم نهائی خواهد شد، چنین حکمی قابل اجرا نخواهد بود. البته باید توجه داشت که قابلیت فرجامخواهی حکم صادره از محکمه خارجی با قطعی بودن آن منافات ندارد (۳۷).

در خصوص این شرط بین سیستم فرانسوی و سیستم کامان‌لو تفاوت عمده‌ای وجود دارد چرا که، در حقوق انگلیس احکام خارجی مربوط به پرداخت نفقه به واسطه غیر قطعی بودن قابل اجرا نیستند. دادگاههای انگلیس معمولاً از اجرای احکام مربوط به نفقه زوجه و مخارج فرزندان به دلیل قطعی ندانستن حکم، خودداری می‌کنند زیرا میزان نفقه ممکن است به حسب تغییر شرایط شخص واجب‌النفقه تغییر داده شود، حال آنکه

۳۵- دکتر مرتضی نصیری، همان کتاب، ص ۱۴، زیرنویس ۱.

36- Conclusiveness of foreign judgment

۳۷- در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی راجع به شرایط قابل اجرا بودن احکام خارجی این شرط مندرج است: «... ۴- حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجرا بوده و بعلمت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد».

در فرانسه تقاضای اجرای احکام غیر قطعی خارجی و همچنین احکام پرداخت نفقه را که قابل تغییر هستند، می‌پذیرند.

#### ۴- معین بودن مبلغ مورد حکم :

برای اینکه «حکم مربوط به اشخاص» (۳۸) در انگلیس قابل اجرا باشد، باید آن حکم بیانگر مبلغ معینی پول باشد. به عبارت دیگر، دادگاه‌های انگلیس حکمی را که دقیقاً مبین مبلغ معینی پول نباشد اجرایی نمی‌نمایند. مثلاً احکامی که محکوم علیه را محکوم به تسلیم یک مال منقول و یا اجرای یک قرارداد کرده باشند قابل اجرا تلقی نمی‌شوند. همچنین احکام خارجی مربوط به محکومیت به پرداخت مالیات یا جریمه‌های نقدی قابل اجرا نمی‌باشند.

#### ۵- عدم تحصیل حکم از راه تقلب :

در سیستم کامان‌لو این اصل پذیرفته شده است که حکم دادگاه خارجی نباید ناشی از تقلب باشد. تقلب ممکن است به طرق و صور مختلفی ظاهر گردد. مثلاً اگر دادگاه خارجی بر اثر شهادت کذب گمراه شده باشد و یا محکوم له با تقلب دادگاه رسیدگی‌کننده را از اطلاع به وقایعی که در نتیجه امر مؤثر بوده بازدارد. چنانکه محکوم له با محکوم علیه در مورد ترك تعقیب قراردادی منعقد کرده باشد ولی بطور متقلبانه در غیاب وی

۳۸- اصطلاح حکم مربوط به اشخاص (Judgment in personam) در مقابل حکم مربوط به اموال (Judgment in rem) استعمال می‌شود. منظور از حکم مربوط به اموال حکمی است که حق یک شخص را نسبت به اموال منقول یا غیر منقولی که در حوزه دادگاه صلاحیت‌دار واقع می‌باشند معین می‌کند، حال آنکه حکم مربوط به اشخاص حکمی است که در مورد اموال نباشد. تفاوت بین این دو حکم در این است که حکم مربوط به اموال نسبت به اشخاص ثالث نیز مؤثر می‌باشد و مفاد آن برای همه افراد لازم‌الرعايه است (مانند حکمی که حق مالکیت نسبت به اموال منقول یا غیر منقول را اعطا می‌کند) ولی حکم مربوط به اشخاص فقط نسبت به اصحاب دعوی و قائم مقام ایشان مؤثر است.

دعوی را در دادگاه ادامه دهد و یا اینکه محکوم له به رغم اطلاع از اقامتگاه خواننده، این واقعیت را انکار کرده باشد.

در خصوص تقلب در صدور حکم بین رویه دادگاههای انگلیس و امریکا تفاوت موجود است؛ زیرا دادگاههای انگلیس ایراد تقلب در صدور حکم را در صورت وجود قرائن نسبتاً قطعی مورد رسیدگی قرار می دهند، حتی اگر ایراد مزبور در جریان دادرسی دادگاه خارجی نیز مطرح شده و دادگاه مزبور قبلاً به آن رسیدگی کرده باشد. ولی دادگاههای امریکا براساس اصل اعتماد و اعتبار احکام (۳۹) که از اصل چهارم قانون اساسی امریکا استخراج گردیده و در مورد احکام صادره از دادگاه های خارجی نیز ساری و جاری است، ایراداتی را که از سوی دادگاه خارجی صادر کننده حکم رد شده باشد مؤثر در مقام ندانسته و رسیدگی مجدد به آن را مخالف اصول و زائد تلقی می کنند، مگر اینکه احراز صلاحیت دادگاه خارجی ناشی از تقلب خواهان بوده باشد.

## ۶- عدم مخالفت حکم با نظم عمومی :

در سیستم کامان لو، مانند حقوق فرانسه و ایران (بند دوم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی)، درخواست شناسائی و اجرای حکم خارجی در صورتی پذیرفته می شود که آن حکم مخالف با نظم عمومی کشور اجرا کننده نباشد. بنابراین هرگاه دادگاههای انگلیس و امریکا احراز نمایند که حکم صادره از دادگاه خارجی مخالف با نظم عمومی جامعه ملی است از شناسائی و اجرای آن خودداری خواهند کرد. مثلاً در يك دعوی

۳۹- بند یکم اصل چهارم قانون اساسی امریکا که مبنای اصل اعتماد و اعتبار احکام (Full faith and credit) می باشد مقرر می دارد: «... در هر يك از ایالات، قوانین عمومی، اسناد تنظیم شده و آراء قضائی ایالات دیگر با اعتماد و اعتبار کامل تلقی خواهد شد».

دادگاههای امریکا با توجه به اصل نزاکت قضائی Comity رویه متداول در روابط بین ایالات مختلف را نسبت به آراء صادره از محاکم خارجی نیز سرایت داده اند. دکتر مرتضی نصیری، همان کتاب، ص ۱۵، زیرنویس ۰۲.

مربوط به نفقه، دادگاه انگلیس از اجرای يك حکم خارجی دائر به محکومیت پدر طبیعی يك دختر به پرداخت نفقه خودداری نموده زیرا برقراری نفقه به نفع فرزند طبیعی و زوجه نامشروع را مخالف نظم عمومی انگلیس تلقی کرده است.

همچنین دادگاههای انگلیس اجرای احکام خارجی را که جنبه کیفری و یا مالیاتی داشته باشد مخالف نظم عمومی انگلیس تلقی می کنند. البته اگر حکم صادره از محکمه خارجی جنبه کیفری و غیر کیفری داشته باشد و این دو جنبه قابل تفکیک باشند، جنبه غیر کیفری آن (مثلا جبران خسارت مدنی) قابل اجراست مشروط باینکه جنبه غیر کیفری حاکی از مبلغ معینی پول باشد (۴۰).

در مورد شرط عدم مخالفت حکم با نظم عمومی یادآوری این نکته شایان توجه است که مفهوم نظم عمومی در سیستم فرانسوی وسیع تر از مفهوم «نظم عمومی» (۴۱) در سیستم کامان لو است زیرا اصطلاح نظم عمومی در سیستم فرانسوی علاوه بر اینکه تمام موارد نظم عمومی در سیستم انگلیسی - امریکائی را شامل می شود بعضی از موارد عدم تقلب و دادرسی منظم را نیز در بر می گیرد. بنابراین نظم عمومی در سیستم کامان لو اخص از نظم عمومی در سیستم فرانسوی است (۴۲).

40- Graveson, The conflict of Laws, 7th ed, 1974, p. 823 - 824.

41- Public policy.

42- Badiffol, op. cit., p. 823 - 824.

### نتیجه :

بررسی اجمالی مبانی و شرایط شناسائی و اجرای احکام خارجی در سیستم حقوقی فرانسه و سیستم حقوقی انگلیس و آمریکا این نکته را آشکار ساخت که شناسائی و اجرای احکام خارجی یکی از موضوعات مهم حقوق بین الملل خصوصی تلقی می شود، به طوری که میتوان گفت امروزه این مسأله به صورت يك ضرورت اجتناب ناپذیر درآمده است. قطع نظر از شرایطی که در سیستمهای حقوقی یاد شده برای اجرای احکام خارجی پیش بینی گردیده، شناسائی پاره‌ای از احکام صادره از محاکم خارجی مانند احکام مربوط به وضعیت و اهلیت اشخاص یکی از ضرورت‌های زندگی بین المللی است و این قبیل احکام را باید به عنوان واقعیت خارجی پذیرفت، زیرا ندیده گرفتن آنها به منزله ندیده گرفتن واقعیت است.

اگر حقوق بین الملل خصوصی را مانند پلی بدانیم که سیستمهای حقوقی را به یکدیگر متصل می سازد یکی از پایه‌های این رشته را باید اعتبار و شناسائی بین المللی حقوق مکتسبه تلقی نمود و این مصلحت حقوقی تأمین نمی شود، مگر با قبول اعتبار و شناسائی احکام خارجی. البته این نکته بدان معنی نیست که هر حکم خارجی را باید بدون قید و شرط شناسائی نمود و آن را به مرحله اجرا درآورد. بلکه مقصود آن است که با رعایت شرایط لازم، باید حکم مدنی صادره از محکمه خارجی را مورد شناسائی و اجرا قرار داد. چرا که، در غیر این صورت، راه گسترش حقوق بین الملل خصوصی سد خواهد شد و این رشته از علم حقوق در رسیدن به یکی از اهداف عمده خود ناکام خواهد ماند.

در مطالعه اجمالی مبانی و شرایط سیستمهای حقوقی فرانسه و انگلیس و آمریکا ملاحظه گردید که در سیستم فرانسوی شرایط اساسی برای شناسائی و اجرای احکام خارجی عبارتست از اینکه: اولاً، باید حکم توسط دادگاه صلاحیت دار صادر شده باشد؛ ثانیاً، دادگاه خارجی در صدور رأی مقررات

صوری را طبق قانون مقر دادگاه رعایت کرده باشد؛ ثالثاً، دادگاه خارجی در ماهیت دعوی قانون صلاحیت‌دار را اجرا نموده باشد؛ رابعاً، اجرای حکم صادره از دادگاه خارجی نباید مخالف با نظم عمومی باشد.

در سیستم انگلیسی - امریکائی نیز شرایطی که برای شناسائی و اجرای احکام خارجی اساسی تلقی می‌شوند عبارتند از اینکه: اولاً، باید دادگاه خارجی طبق سیستم کامان‌لو از لحاظ بین‌المللی واجد صلاحیت بوده باشد؛ ثانیاً، حکم دادگاه خارجی پس از یک دادرسی منظم صادر شده باشد؛ ثالثاً، حکم دادگاه خارجی قطعی بوده باشد؛ رابعاً، حکم بیانگر مبلغ معینی پول باشد؛ خامساً، حکم از راه تقلب تحصیل نشده باشد؛ سادساً، حکم دادگاه خارجی مخالف با نظم عمومی نباشد.

لازم است یادآوری شود که در حال حاضر قراردادهای دوجانبه اجرای متقابل احکام منعقد شده بین کشورها بسیاری از تضییقات راجع به اجرای احکام را از میان برداشته است و در اکثر قراردادها سیستمی شبیه سیستم حقوقی انگلیس و امریکا پذیرفته شده است.

در پایان لازم است خاطر نشان شود که چون بررسی تفصیلی شناسائی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران از حوصله این مقاله خارج بود از مطالعه آن خودداری شد و تنها در پانویسها مورد مقایسه و اشاره واقع گردید.